

Blue Victimology in the Light of the Global Phenomenon of Female Homicide

Mahdieh Vajdani Fakhri¹; Shahraddar Darabi;² Ali Najafi Tavani³

Received: 2/03/2021

Accepted: 24/08/2021

Abstract

Background and Aim: The term Blue victimology is defined as a field for studying the activities, events, approvals and norms of the United Nations in the field of crimes against women, victims and how to prevent them. The purpose of this study is to examine the United Nations response to victims of gender homicides.

Method: This research has been done by descriptive-analytical method and relying on international documents and studying the laws and regulations of legal systems in the form of documents and libraries.

Results and conclusion: Studies show that the murder of women, if it is the result of conflicting violence and the result of differences between them and other people, leads to hostile and critical relationships, which is important considering The situation of women in terms of physical vulnerability makes crimes and impulsive actions against them. Accordingly, the United Nations adheres to the international norms of water victimology in the protection of women victims and in order to prevent the phenomenon of feminism, mainly at the level of legislative policies, including special protection laws, and the 1985 Declaration was the culmination of efforts. And the Universal Declaration of Human Rights in 1948 are part of a supportive victimology.

Keywords: Blue Victimology, Women femicide, United Nations, Victimization of Women

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Mahdieh.vajdani@gmail.com

2. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author); shahraddar.darabi@yahoo.com

3. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Najafi.tavani@gmail.com

بزه‌دیدگی‌شناسی آبی در سایه پدیده جهانی قتل زنان

مهديه وجداني فخر^۱، شهرداد دارابی^۲، علی نجفی توانا^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: اصطلاح بزه‌دیدگی‌شناسی آبی به منزله قلمرویی برای مطالعه فعالیت‌ها و رویدادها و مصوبات و هنجارهای سازمان ملل متحد در زمینه جرایم ارتكابی علیه زنان، بزه‌دیدگی و چگونگی پیشگیری از آن‌ها معرفی می‌شود. هدف این مطالعه، بررسی پاسخ‌های سازمان ملل متحد به بزه‌دیدگان قتل‌های جنسیتی است.

روش: این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر اسناد بین‌المللی و مطالعه قوانین و مقررات نظام‌های حقوقی به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

یافته‌ها و نتایج: مطالعات مبین آن است که قتل زنان در صورتی که ناشی از خشونت‌های تعارض‌آمیز و منبث از وجود اختلاف بین ایشان با افراد دیگر باشد، منجر به روابط خصومت‌آمیز و بحرانی می‌شود که این مهم با امعان نظر به شرایط زنان از حیث آسیب‌پذیری جسمانی، جنایات و اقدامات تکانشی علیه آن‌ها را واقع می‌سازد. بر این اساس سازمان ملل متحد، هنجارهای بین‌المللی بزه‌دیدگی‌شناسی آبی را در زمینه حمایت از زنان بزه‌دیده و در راستای پیشگیری از پدیده فمسید، به طور عمده در سطح سیاست‌گذاری‌های تقنینی، از جمله قوانین خاص حمایتی لحاظ نموده است و اعلامیه ۱۹۸۵، سرآمد تلاش‌های جهانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، در چارچوب یک بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی

بزه‌دیدگی‌شناسی آبی، قتل زنان، سازمان ملل متحد، بزه‌دیدگی زنان

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

Mahdie.vojdatani@gmail.com

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، واحد قم، ایران (نویسنده

مسئول)؛ shahrdad.darabi@yahoo.com

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران؛

Najafi.tavani@gmail.com

مقدمه

مسأله «قتل زنان»، به عنوان یک پدیده مجرمانه از منظر بزهدیده‌شناسی و از منظر بین‌المللی (یعنی بزهدیده‌شناسی آبی) مهم بوده و در این راستا، بر بزهدیدگی زنان جوان در زمینه‌های چون قتل‌های ناموسی، قتل‌های به علت آبرو^۱ و دیگر انواع قتل‌ها تمرکز دارد. معمولاً قتل‌های جنسیتی در کشورهای مختلفی همانند آمریکای لاتین، آفریقا، چین و کره و هند و دیگر کشورها به وقوع پیوسته و قتل‌های غیرعمدی در خصوص زنان که شامل مرگ‌های ناشی از اختلافات در خصوص مسایل کم‌اهمیت از جمله مهریه^۲ و یا به دلایلی از جمله عدم رضایت و اجبار آنان به ازدواج صورت می‌گیرد بسیار گزارش می‌شود (دوسیچ، ۲۰۱۶، ص ۵۰). این پژوهش سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین هنجارها و مقرره‌های سازمان ملل متحد که با عنوان بزهدیده‌شناسی آبی شناخته می‌شوند در مورد پدیده جهانی و فراگیر قتل زنان کدامند.

پیشینه پژوهش: زینالی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزهدیدگی آن‌ها» نظریه انتقادی یا تضاد فمینیستی را مطرح کرد. این نظریه از نابرابری‌های ساختاری گسترده برای نمونه بر پایه سن، جنس و نیز ارزش‌های جامعه مردسالار که به برتری مردان تاکید دارد سرچشمه می‌گیرد. این دیدگاه را نه تنها برای دریافت علل رخداد برخی بزهدیدگی‌ها به کار می‌برند، بلکه برای دریافت پاسخ‌های متفاوت به بزهدیدگی نیز استفاده می‌شود. برای نمونه خشونت‌های خانگی بیش‌تر بدون گزارش به پلیس مسکوت می‌مانند و مسکوت ماندن بیش‌تر به برخورد نامناسب مقامات قضایی باز می‌گردد. دوسیچ^۳ (۲۰۱۶)، که یکی از بزهدیده‌شناسان بین‌المللی است، در مقاله‌ای با عنوان «پاسخ سازمان ملل متحد به بزهدیدگان قتل‌های جنسیتی»، اصطلاح «بزهدیده‌شناسی آبی» را برای توصیف تدبیرهای این سازمان در حمایت از گروه‌های خاص

1. Honor killing

۲. قتل‌های ناشی از اختلافات مرتبط با پرداخت مهریه را در اصطلاح ساتی می‌نامند که بیشتر مختص کشورهای همانند افغانستان، تاجیکستان و ترکمنستان بوده و در مناطقی که مهریه مرسوم نیست اتفاق نمی‌افتد.

3. Dussich.J.P

بزه‌دیده به ویژه بزه‌دیدگان خاص مفهوم سازی کرد و اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی آبی را برای مطالعه همه فعالیت‌ها، رویدادها و نوشته‌هایی که در سطح جهانی با محوریت سازمان ملل متحد درباره بزه‌دیدگان خاص در قالب هنجارها به تصویب رسیده است بکار می‌برد. صبوری پور (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «واحدهای پیشگیری از جرم پلیس» بیان می‌دارد که یکی از فنون اصلی در امور پلیسی مسئله محور، اختصارا «سارا»^۱ نامیده می‌شود. این عبارت چکیده «رصد کردن، تحلیل، پاسخ دهی و ارزیابی» است. اداره‌های پلیس می‌توانند با استفاده از فوننی از این قبیل مشکلات مربوط با جرم را به طور کامل بررسی کنند و کارآمدترین راه حل را شناسایی و اجرا نمایند. وی معتقد است این گونه اقدامات، وجه پیش‌گیرانه عملکرد پلیس را تقویت می‌کند، زیرا حل مشکلات باعث پیش‌گیری از بسیاری از جرایم خشونت‌آمیز به ویژه قتل می‌گردد و برنامه‌های نظارت همسایگی در واحدهای پیش‌گیری از جرم نیز می‌تواند در این امر مانع بروز بسیاری از رفتارهای بزهکارانه باشد. در برنامه‌های نظارت همسایگی، شهروندان به گروه‌های رسمی آموزش دیده توسط پلیس در محله خود می‌پیوندند و گروه نظارت همسایگی، از خانه‌ها و اماکن عمومی محله خود نگهداری می‌کنند و در صورت مشاهده رفتار مجرمانه یا مشکوک به پلیس اطلاع می‌دهند و با همکاری یک دیگر از وقوع جرم پیشگیری می‌کنند.

اغلب پژوهش‌هایی که در حوزه بزه‌دیدگی زنان صورت گرفته، متمرکز بر نحوه قتل و چرایی چنین رخداد مجرمانه‌ای است، اما این مطالعه تلاش می‌کند با عمق بخشی به ادبیات بزه‌دیده‌شناسی آبی، به پاسخ‌های سازمان ملل متحد نسبت به قتل‌های جنسیتی بپردازد.

مبانی نظری: یکی از گونه‌های مختلف خشونت که علاقه جرم‌شناسان معاصر را به خود جلب کرده است، موضوع قتل زنان است. در برخی از جوامع شرایط موجود به گونه‌ای است که افراد و گروه‌ها برای دستیابی به ثبات و دفاع از آبرو و اعتبار خود و برای اجرای عدالت (از منظر خود) دست به رفتارهایی بیرون از قلمرو قانون و نهادهای مشخص شده

1. SARA: Scanning, Analyzing, Responding and Assessing

می‌زنند که در بسیاری از موارد منجر به بزهدیدگی زنان خواهد شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵۴). این امر به ویژه در قتل‌های ناموسی که اغلب بزهدیدگان آن زنان می‌باشند نمود پیدا می‌کند.

بزهدیدگان جرم خشونت‌آمیز قتل دو دسته‌اند: دسته اول کسی که مستقیم از ارتکاب جرم آسیب دیده و کسانی که از نزدیکان بزهدیده نخستین هستند که این امر به ویژه در خویشاوندکشی نمود پیدا می‌کند و دسته دوم که بزهدیدگان دوم و یا شریکان بزهدیدگی شناخته می‌شوند. درباره قتل، بزهدیدگان دوم کسانی هستند که مرتکب، آنان را به قتل نرسانده است، بلکه خانواده و دوستان بازمانده هستند که فرد دوست‌داشتنی آنان به قتل رسیده است (مه‌دوی خاشی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸۸). بزهدیدگان دوم قتل ممکن است مادر، خواهر، مادر بزرگ و دیگر خویشاوندان یا دوستان نزدیک بزهدیده باشند و اگرچه در جرایم ارتكابی علیه تمامیت جسمانی مانند قتل که یکی از خشونت‌آمیزترین جرایم است، بزهدیده قتل متحمل بیشترین آسیب شده است، اما بزهدیدگی دیگر افراد را نیز نباید مورد غفلت قرار داد. در جرم‌های ارتكابی علیه تمامیت جسمانی که بر روی زنان ارتكاب می‌یابد، مانند زن‌کشی و فرزندکشی، آثار مخربی که بر دیگر افراد خانواده مانند خواهر و مادر که فرزند و یا مادر خود را از دست داده‌اند، بزهدیدگان دوم در پی وقوع رخداد مجرمانه آسیب‌های فراوانی می‌بینند. آنان ممکن است دچار احساس ترس، اندوه، فقدان، خشم و آشفتگی شوند و در سطح تقنینی حمایت‌های کافی از این افراد نمی‌شود و آنان اغلب خودشان از کمک‌های تخصصی بهره می‌گیرند و اگر جرم به صورت وحشیانه و با ایجاد رعب و وحشت در جامعه باشد ممکن است رسانه‌های خبری و فضای مجازی آن اتفاق را با تحریف نشر دهند و بزهدیدگان دوم را بیشتر متاثر کنند. نهادهای تخفیف‌دهنده و رویکردهایی مانند کاهش جمعیت کیفری و قانون حبس‌زدایی و دیگر موارد مانند مجازات پایین حبس برای موانع قصاص نیز منجر به آن خواهد شد که بزهدیدگان دوم قتل، آسیب و درد و رنج بیشتری متحمل شوند که این امر نیز باید مطمح نظر قانونگذار قرار گیرد.

مسأله «قتل زنان»، به عنوان یک پدیده مجرمانه دست کم، رایج در برخی نقاط جهان از منظر بزه‌دیدة شناسی و از منظر بین‌المللی یعنی، بزه‌دیدة شناسی آبی مهم بوده است. این گرایش‌ها در زمینه قتل زنان به دلیل تبدیل شدن به یک پدیده جهانی فراگیر مورد بررسی قرار می‌گیرد و به طور کلی می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از اسناد و هنجارهای بین‌المللی در سطح سازمان ملل متحد با مسائل و موضوعات زنان پیوند می‌خورند که در این پژوهش به بررسی هنجارهای وضع شده در جهت پیشگیری از رخداد مجرمانه قتل زنان پرداخته می‌شود.

روش

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر اسناد بین‌المللی و مطالعه قوانین و مقررات نظام‌های حقوقی به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

یافته‌ها

روشن است که فرایند و نحوه ارتکاب قتل در جرمِ خشونت بار قتل، فاقد موضوعیت می‌باشد و نتیجه رفتار فرد بزه‌کار که به سلب حیات بزه‌دیدة می‌انجامد، نتیجه مجرمانه را رقم می‌زند. رکن اساسی نظام‌های حقوقی کیفری، بدون شک، مسئولیت کیفری است که همواره با احراز قابلیت انتساب^۱ رفتار مجرمانه موجب تحمل پیامدهای جزایی نقض هنجارهای قوام‌یافته در جامعه می‌شود. بدیهی است اراده سالم، معتبر و جازم، مستلزم ادراک^۲، تدبر، خواست درونی^۳ و تنفیذ^۴ است و اسناد مادی در قلمرو جزایی عبارت است از انتساب جرم به فاعل معین و اسناد روانی یا ذهنی به معنای آن است که فاعل قابلیت و اهلیت این را دارد که آثار کیفری رفتار خود را متحمل شود (دارابی، ۱۳۹۸، ص ۸۹). همه جرایم از جمله قتل زنان و دختران منبعث از احساساتی مانند انتقام، تعصب، خشم و هیجان و افکار جهالت‌آمیز و مانند آن هستند و احساسات، هیجان‌های عاطفی یا تاثیرات درونی افراد تا جایی که قدرت قصد مجرمانه (اعم از علم و اراده) را از او سلب نکنند، مسئولیت

1. Imputability / Imputabilite

2. Conception

3. Internal Willing

4. Execution

کیفری برقرار است. از این رو رفتار انسان‌ها تجلی انگیزه‌های روانی است که بر اساس احساس و ادراک از واقعیات شکل می‌گیرد.

از منظر مفهوم‌سازی قتل زنان در پرتو گونه‌شناسی علوم جنایی، قتل به اعتبار نسبت بزه‌دیده شامل خویشاوندکشی^۱ که به اعتبار نسبت به پدر و مادرکشی، فرزندکشی و همسرکشی تقسیم می‌گردد. خانواده‌های خشونت‌آمیز^۲ خانواده‌هایی هستند که انواع خشونت‌ها مانند قتل و تجاوز و خشونت‌های فیزیکی و روانی میان آن‌ها استمرار و تداوم دارد. به طور کلی می‌توان بیان داشت اغلب خانواده‌هایی که والدین کشی در آن‌ها رخ می‌دهد، از الگوی خشونت‌آمیزی پیروی می‌کنند. مواردی چون دسترسی آسان به اسلحه گرم، مصرف الکل و مواد مخدر و احساس درماندگی نوجوانان از عواملی است که موجبات تسهیل ارتکاب جرم را توسط نوجوانان فراهم می‌آورد (پاگانی^۳، ۲۰۰۴، ص ۲۳۰). فرزندکشی نیز زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد عمداً فرزند خود را می‌کشد و به این معنا که کشتن و قتل به صورت تصادفی نیست، بلکه به علت سوء استفاده یا غفلت^۴ و از روی عمد است. در بعضی موارد، کودک کشی نیز به عنوان یک فداکارای مذهبی در نتیجه یک مجازات اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود (اسمیت^۵، ۲۰۰۸، ص ۸۸۸) و بعضی مواقع کودکان ناقص‌الخلقه را می‌کشند و یا به دلیل تعصبات و افکار جهالت‌آور، دختران نوجوان بزه‌دیده قتل می‌شوند و نیز بعضاً قتل دختران یک وسیله برای کنترل جمعیت نیز محسوب می‌گردد.

همسرکشی نیز جرمی است که در آن زن یا مرد شریک زندگی خود را به قتل می‌رساند. قتل نفس وقتی به شکل همسرکشی متجلی می‌شود، چهره قبیح‌تری به خود می‌گیرد. تردیدی نیست که چنین رخداد مجرمانه‌ای زمینه‌ساز مواردی از ناهنجاری‌های روانی، آوارگی، انحراف و بزهکاری را فراهم می‌کند و نیز تأثیر مخرب و نابودکننده‌ای بر

1.parricide

2.Multiassative families

3.Pagani L,S

4.Negligence

5.Smith , D

امنیت و سلامت عمومی جامعه به جای می‌گذارد (آشوری و معظمی، ۱۳۹۸، ص ۱۱). پدیده همسرکشی و خشونت در خانواده در تمام جوامع دنیا به عنوان معضلی جدی مورد توجه قرار گرفته و محققان زیادی، علل و عوامل این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عنوان مثال گفته شده آمریکاییان چنان در معرض خشونت‌های اعضای خانواده خود قرار دارند که خانواده را پس از پلیس و ارتش، خشن‌ترین نهاد اجتماعی نامیده‌اند (سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). برخی نیز مدعی‌اند که خشونت خانوادگی مهم‌ترین مسئله اجتماعی است که امروزه آمریکاییان با آن سر و کار دارند.

قتل به اعتبار جنسیت بزه‌دیده شامل قتل زنان می‌گردد. در واقع قتل زنان در سطح خرد، بنیان خانواده را دچار تزلزل کرده و کارکردهای آن را تضعیف می‌کند و همچنین سرنوشت ناخوشایندی برای دیگر اعضای خانواده رقم خواهد زد. در سطح کلان نیز رخداد مجرمانه قتل، به ویژه گستره‌رو به رشد آن در جوامع مختلف، موجب افزایش خشونت و ناامنی در جامعه شده و آسیب‌های جدی به پیکر خانواده و جامعه وارد می‌سازد (قاضی نژاد و عباسیان، ۱۳۹۰، ص ۸۳). در اردن و عراق و دیگر کشورها، خشونت علیه زنان به شکل قتل به علت آبرو رایج است. طبق ماده ۳۴۰ قوانین کیفری اردن، «مردی که همسر خود را به دلیل عمل زنا به قتل برساند و یا مجروح کند» بخشیده می‌شود. کمیته محو انواع تبعیض علیه زنان مصرانه از اردن درخواست کرده تا حمایت‌های لازم برای لغو سریع ماده ۳۴۰ را به عمل آورد و با افزایش فعالیت‌های آگاهی‌رسانی در میان مردم، قتل به علت آبرو را به لحاظ اجتماعی و اخلاقی غیرقابل قبول سازد. زنانی که در اردن به قتل به علت آبرو تهدید می‌شوند، برای ایمنی در برابر قتل به زندان منتقل می‌شوند و این کمیته از عراق نیز درخواست کرده تا قتل به دلیل آبرو را محکوم و امحا نماید و تضمین کند چنین جنایاتی به مانند دیگر گونه‌های قتل مورد رسیدگی قرار گرفته و مرتکبان آن‌ها مجازات شوند که این امر منجر به کاهش تعداد قتل‌ها علیه ایشان گردید. کمیته محو تبعیض علیه زنان در مورد بند ۲ ماده ۵ و بند ۱۰ کنوانسیون محو همه انواع تبعیض علیه زنان، بیان داشته است که نگرش‌های سنتی که زنان، زیردست مردان در نظر گرفته

می‌شوند و یا نقش‌های کلیشه‌ای را بر عهده می‌گیرند، منجر به بروز رویه‌های شایع و اشتباه حاوی خشونت یا اجبار شده است (خیبری، نوری نشاط و روان بد، ۱۳۹۳، ص ۳۴۰). خشونت و سوء استفاده در خانواده، ازدواج اجباری، حملات با اسید^۱ و ناقص‌سازی زنان و چنین تعصبات و رویه‌هایی، خشونت مبتنی بر جنسیت را به عنوان گونه‌ای از حفاظت یا کنترل زنان توجیه می‌کند و تاثیر چنین خشونتی بر تمامیت جسمانی و روحی زنان عبارت است از محروم کردن زنان از دانستن درباره حقوق و آزادی‌های اساسی، اعمال آن‌ها و برخورداری یکسان از حقوق و آزادی‌ها.

قتل ناموسی نیز به ارتکاب خشونت و اغلب کشته شدن زنان به دست مردان خویشاوند خود گفته می‌شود که به علت ننگین کردن شرافت خانواده خود کشته می‌شوند. این ننگ موارد گوناگونی را شامل می‌شود از جمله خودداری از ازدواج اجباری، قربانی یک تجاوز جنسی بودن، طلاق گرفتن حتی از یک شوهر ناشایست، رابطه با جنس مخالف و یا ارتکاب جرایم منافی عفت.

همان‌طور که اشاره شد الگوی جنسیتی خشونت در سراسر جهان به ویژه در آمریکای لاتین و آفریقای جنوبی و آسیا نیز نمود داشته است و زنان پیوسته مدیریت زندگی‌شان را به شکل سازمان‌یافته و آگاهی‌یافته از روابط‌شان با مردانی که می‌شناسند و با آن‌ها در ارتباط هستند می‌آموزند و در جریان این روابط است که بسیاری از زنان، سروکار داشتن با خشونت، تهدید و بدرفتاری یا سوءاستفاده پیوسته و بلندمدت را فرا می‌گیرند. هر روزه در سراسر جهان، زنان توسط مردان به دلایل متعددی کشته می‌شوند و اغلب زن بودن، مصنوعیتی برای مجازات بزهداران به حساب می‌آید (وجدانی فخر، دارابی و نجفی توانا، ۱۴۰۰، ص ۲). از سقط جنین و نوزادکشی دختران به دلیل ترجیح دادن پسران برایشان تا آدم‌ربایی و قاچاق، مرگ ناشی از غفلت عمدی نسبت به کودکان دختر، مرگ‌های ناشی از اختلافات مربوط به جهیزیه و مهریه و سوزاندن عروس‌های جوان که به قتل‌های ساتی معروف هستند، تا انتظاراتی که از زنان بیوه وجود دارد که خود را در مراسم خاکسپاری

شوهران متوفی به آتش بیاندازند، که این موارد در کشورهای مانند بنگلادش، هند، پاکستان، نپال، سریلانکا و برخی مناطق آفریقا رایج است، قتل عام زنان جوان در مکزیک، السالوادور و گواتمالا و سایر مناطق آمریکای مرکزی و جزایر کارائیب از دیگر مواردی است که حاکی از پراکندگی انواع خشونت و بزه دیده سازی زنان در سراسر دنیا است. آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۳ به عنوان نقطه آغازین آگاهی بخشی زنان نسبت به زن کشی و خشونت در مکزیک به رسمیت شناخته شده است. در سال ۱۹۹۲، مردم شهر خوارز، در ایالت چیاووا، متوجه شده بودند که آن‌ها در منطقه‌ای زندگی می‌کنند که روزانه دختران زیادی به بهره‌کشی جنسی مجبور می‌شدند و قتل‌های زیادی در شهر خوارز رخ می‌داد (چاوزکانو^۱، ۲۰۰۵، ص ۳۹). این شهر با تعداد زیادی کارخانه خارجی که کارمندان خود را از بین دختران ۱۴ تا ۲۰ با حداقل دستمزد (۴ دلار در روز) انتخاب می‌کردند، به عنوان فاسدترین شهر در آن بازه زمانی شناخته شده بود و در میان کسانی که از این حوادث جان سالم به در برده‌اند گزارش شده است که پلیس نیز در برخی از این قتل‌ها نقش دارد. از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۹، حدود ۳۴۰۰۰ زن کشته شده‌اند و در سال ۲۰۱۰، سازمان عفو بین‌الملل از ۲۴۱۸ قربانی دیگر گزارش داده است که ۳۲۰ نفر از آن‌ها از شهر خوارز بوده‌اند. در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹، کمیسیون حقوق بشر آمریکایی، حکم داد که «ایالت مکزیک مسئول قتل‌های نامشخص و ناپدید شدن زنان در سیوداد خوارز است» (چاوزکانو، ۲۰۰۵، ص ۷) و این حکم به قانون مزرعه‌های پنبه شهرت یافت.

سازمان ملل متحد بسیاری از قتل‌های جنسیتی را صراحتاً منع کرده است؛ برای نمونه آدم‌ربایی، قتل و کشتارهای فراتقنینی توسط نیروهای امنیتی، مطابق قواعد بین‌المللی حقوق بشر منع شده است و تصریح کرده است صرف نظر از اینکه این اقدامات غیر قانونی توسط مقامات دولتی یا اعضای خانواده صورت گرفته باشد، باید به آنها رسیدگی شود و مرتکبان مجازات شوند. علاوه بر این دولت‌ها طبق حقوق بین‌الملل وظیفه دارند از چنین اقداماتی جلوگیری کنند. کمیته حقوق بشر در مورد بروز خشونت علیه زنان در بسیاری از کشورها

بیان داشته است که دول عضو باید اقدامات موثری برای تضمین ایمنی زنان اتخاذ نماید و تضمین نماید زنان برای عدم گزارش چنین موارد نقض فاحش حقوق‌شان تحت فشار قرار نگیرند و مرتکبین محاکمه گردند (خبیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷۰). در پرونده‌های متعددی دیوان آمریکایی حقوق بشر اعلام داشته است که ناپدیدشدگی‌ها سبب نقض جدی کنوانسیون حقوق بشر شده و نشان دهنده ترک کامل ارزش‌های منبعث از مفهوم کرامت انسانی و اصول اساسی است. به اعتقاد دیوان، عامل تعیین کننده این است که آیا نقض حقوق‌شناسایی شده در کنوانسیون با حمایت یا رضایت ضمنی دولت صورت گرفته و یا اینکه دولت وقوع نقض حقوق را مجاز و قانونی شمرده است یا خیر. به عبارت دیگر دولت وظیفه دارد که اقدامات معقولی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر انجام دهد و از امکانات خود برای رسیدگی جدی به نقض حقوق، شناسایی مرتکبان، اعمال مجازات مناسب و تامین جبران کافی برای قربانیان استفاده کند. طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳، تخمین زده می‌شود که تقریباً ۶۵۰۰ مورد زن‌کشی در گواتمالا رخ داده است. این تعداد قتل، شهر گواتمالا را به یکی از خطرناک‌ترین شهرهای جهان برای زنان تبدیل کرده است (موسالوو بوکی^۱، ۲۰۱۳، ص ۱۰) علائم و نشانه‌های این قتل‌ها، مانند شهر خوارز، شامل شکنجه وحشیانه، پرخاشگری جنسی، مثله شدن اعضای بدن و رها کردن قربانیان در مناطق خالی از سکنه است (پاترسون^۲، ۲۰۰۶، ص ۳) و نیز مانند شهر خوارز، برخی از خانواده‌های قربانیان مظنون به پلیس هستند.

از میان تمام زن‌کشی‌هایی که در گواتمالا انجام شده است، بیشتر آن‌ها با سلاح گرم (و به میزان کمتری با چاقو یا خفکان) انجام شده است و بیشتر در پایتخت شهر گواتمالا، شهر جنوبی اسکویتلا و شهر غربی سن مارکوس انجام می‌شود. در نتیجه تلاش‌های گروه‌های مدافع حقوق زنان، در آوریل ۲۰۰۸ دولت قانونی را تصویب کرد که در جهت حمایت از حقوق زنان بود به گونه‌ای که «زن‌کشی» رسماً به عنوان جرمی شناخته شد که مجازات آن ۲۵ تا ۵۰ سال زندان است. (موسالوو و بوکی، ۲۰۱۳، ص ۲۹۱). اگرچه تصویب قانون ۲۰۰۸

1. Musalo, K., & Bookey, B
2. Paterson, K

باعث افزایش آگاهی دولت شده است، اما اجرای کامل این قانون هم چنان میسر نمی‌باشد، زیرا دولت به طور موثر همکاری نمی‌کند و میزان خشونت علیه زنان همچنان در حال افزایش است. بر اساس یک پروژه تحقیقاتی مستقر در ژنو، بالاترین میزان کشندگی در جهان متعلق به کشور کوچک السالوادور در آمریکای مرکزی است. نرخ واقعی ذکر شده در گزارش مذکور در سال ۲۰۱۲ در مورد پدیده مجرمانه زن‌کشی از سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹، ۱۲ مورد بزهکار در میان هر ۱۰۰۰۰۰ نفر بود، با این حال، در مقایسه با ایالات متحده با کمتر از ۲ مورد زن در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، هنوز این رقم بسیار بالا است. در سال انتشار این گزارش (۲۰۱۲)، پدیده زن‌کشی نسبت به سال قبل تقریباً به نصف کاهش یافته است و به نظر می‌رسد این اختلاف به سه عنصر مربوط بوده است؛ مورد اول، آن که رئیس جمهور جدید السالوادور، مائوریسیو فونز^۱، که با تصویب موفقیت‌آمیز قانون ویژه و جامع برای زندگی عاری از خشونت برای زنان، اولویت بالایی را در حقوق زنان ملاک قرار داده است و همچنین قانون فمسیاید در سال ۲۰۱۰ در ۲۵ نوامبر به رسمیت در آمد؛ مورد دوم، ابتکار بانوی اول این کشور برای ایجاد شبکه مطالعات جرایم خشونت‌آمیز علیه زنان که به عنوان «شهر زنان» نامگذاری گردید^۲ و مورد سوم، دولت دو گروه خلافکار را که رفتارهای مجرمانه نسبت به زنان با هدف انتقام‌گیری از گروه دیگر انجام می‌دادند را مجبور به آتش بس کرد که مطالعات حاکی از آن است که این امر احتمالاً بیشترین تأثیر را در بهبود اوضاع داشته است. در برخی کشورهای آسیایی مانند ژاپن نیز شاهد بروز پدیده جهانی قتل زنان هستیم؛ تحقیقات نشان داده است که در هنگام بروز حادثه سونامی در سال ۲۰۱۱ در ژاپن، میزان تجاوز جنسی و قتل زنان به اوج خود رسید (یوشیهاما^۳، ۲۰۱۱، ص ۸۶۲). علت این امر احساس ناامنی و ترسی بود که زنان به دلیل بروز حادثه پیش آمده داشتند و بزهکاران با هدف کمک به این گروه از افراد، آن‌ها را مورد تجاوز و در نهایت قتل قرار می‌دادند.

-
1. Carlos Mauricio Funes Cartagena
 2. "Ciudad Mujer"
 3. Yoshihama Mieko

هنجارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد برای حمایت از زنان بزهدیده قتل: در این خصوص سازمان ملل متحد به خلق یک مجموعه میراث تاریخی مشتعل بر موافقت‌نامه‌ها، استراتژی‌ها، معیارها و برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی برای حمایت از زنان دست زده است (آقابابایی، ۱۳۹۱، ص ۳۶). از دیدگاه حقوق بشری، رفتارهای خطاکارانه عبارت است از نقض‌های حقوق بشری که در سایه جهانی شدن و بین‌المللی شدن حقوق کیفری به جرم‌انگاری و کیفر‌گذاری این نقض‌ها از جمله قتل زنان پرداخته‌اند و این نگرش گذشته از تقصیر یا بی‌تقصیری بزهدیده در رخداد پدیده مجرمانه، زن را به منزله یک انسان، شایسته حمایت می‌داند. از دیدگاه نظری و تاریخی، بزهدیده‌شناسی بر بنیانی دوگانه ایجاد شده است که از یک سو به نقش سرزنشگر بزهدیده توجه می‌کند و از سوی دیگر بزهدیده را صرف نظر از تقصیر، شایسته حمایت می‌داند که این رویکرد، رهیافت حقوق بشری نامیده می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ص ۲۳). بنابراین اگرچه مطالعه بزهدیدگان ابتدا در چارچوب یک رویکرد سرزنش‌مدار از درون نظریه‌های جرم‌شناسانه سربرآورد، اما اکنون بیشتر از سه دهه است که همه نگاه‌ها به حمایت از بزهدیدگان به منزله اشخاص آسیب‌پذیر به ویژه گروه‌های خاص مانند زنان جهت‌یافته‌اند. بین‌المللی شدن بزهدیده‌شناسی حمایتی، فرد بزهدیده را به یکی از کانون‌های توجه در سطوح بین‌المللی تبدیل کرده است و در همین راستا سازمان ملل متحد تلاش خود را برای ایجاد اصول و مقرره‌هایی برای حمایت از بزهدیدگان به ویژه زنان با عنوان بزهدیده‌شناسی آبی پی‌ریزی کرده است. اعلامیه ۱۹۸۵ سرآمد این تلاش‌ها و در بردارنده ملاک‌های جهانی و بین‌المللی در چارچوب یک بزهدیده‌شناسی حمایتی به شمار می‌رود و بی‌شک باید تصویب این سند مهم را نخستین قدم در جهت پیشرفت در حمایت از بزهدیدگان دانست. این اعلامیه بزهدیده را شخصی می‌داند که در پی رخداد مجرمانه چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی، به آسیب‌های روانی، بدنی، عاطفی و حیثیتی به حق‌های بنیادی خود دچار شده است و بر اساس این تعریف، هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی را در بر می‌گیرد و نیز در این اعلامیه تفکیک بزهدیده مستقیم از غیر مستقیم نیز به

رسمیت شناخته شده است به گونه‌ای که در جرم‌هایی مانند قتل، شکنجه، تجاوز جنسی و خشونت‌های خانگی، خانواده‌ها نیز بزه‌دیده محسوب می‌شوند. اعلامیه ۱۹۸۵ نسبت به بزه‌دیدگان رویکرد برابری را در پیش گرفته است، به گونه‌ای که در پاراگراف سوم این اعلامیه تصریح شده است که هنجارها باید به دور از هر نوع تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت، موقعیت و یا دگرتوانی روانی و بدنی درباره همه اشخاص اجرا شوند. در واقع این پاراگراف این امکان را فراهم می‌سازد که با توجه به مشکلات پسا بزه‌دیدگی یا دسترسی محدود به دادگری، بزه‌دیدگان خاص مانند زنان از حمایت‌های ویژه‌ای بهره‌مند شوند. پاراگراف چهارم اعلامیه نیز بر پایه مفهوم حقوق بشری کرامت انسانی^۱ تصریح می‌کند که رفتار با بزه‌دیدگان باید با هم دردی و احترام به شان و منزلت آنان همراه باشد و بزه‌دیدگان در برابر آسیبی که دیده‌اند شایسته دسترسی به دادگری و جبران فوری خسارات وارده هستند. رضایت بزه‌دیدگان از رفتار پلیس در ابتدای وقوع بزه‌دیدگی یکی از ملاک‌های مهم است که تشخیص داده شود فرد بزه‌دیده دسترسی به دادگری منصفانه و سامانه قضایی داشته است یا خیر. یکی دیگر از حق‌های بنیادی حقوق بشری حق جبران است که در اعلامیه ۱۹۸۵ پیش‌بینی شده است و منظور از آن توانمند ساختن بزه‌دیدگان، در دستیابی به جبران از راه شیوه‌های رسمی و غیررسمی است. مواد ۷ و ۸ کنوانسیون آمریکایی پیشگیری، مجازات و امحای خشونت علیه زنان، وظایف دولت‌ها در زمینه پیشگیری، مجازات و امحای همه اشکال خشونت علیه زنان به ویژه خشونت‌های جسمی که منجر به قتل زنان می‌گردد را شرح می‌دهد. طبق ماده ۹، دولت‌های عضو باید از زنان آسیب‌پذیر در برابر خشونت به دلیل نژاد، ریشه قومی و یا وضعیت‌شان به عنوان مهاجر، پناهنده یا آواره، توجه ویژه به عمل آورند. خشونت علیه زنان شامل خشونت جسمی، جنسی و روانی است که یا درون خانواده یا خانه و یا در چارچوب روابط بین شخصی رخ می‌دهد؛ چه مرتکب خشونت، محل سکونت یکسانی با زن داشته باشد و چه نداشته باشد و مواردی نظیر تجاوز، ضرب و شتم و قتل و سوءاستفاده جنسی را نیز در بر می‌گیرد و یا

اینکه در جامعه روی دهد و شامل تجاوز، سوءاستفاده جنسی، شکنجه، قاچاق، روسپیگری اجباری، آدم‌ربایی و آزار جنسی در محل کار، موسسات آموزشی، مراکز پزشکی و دیگر مکان‌ها می‌شود. کنوانسیون امریکایی پیشگیری، مجازات و محو خشونت علیه زنان، نیز بیان می‌دارد هر زنی حق دارد از خشونت موجود در عرصه‌های عمومی و خصوصی آزاد و رها باشد (ماده ۳) و دولت‌های عضو تایید می‌کنند که خشونت علیه زنان اعمال حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مندرج در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر را تضعیف می‌کند و مانع آن می‌شود. طبق کنوانسیون‌های متعددی که توسط سازمان ملل به تصویب رسیده است، حق زن برای رهایی از خشونت شامل حق رهایی از تمامی اشکال تبعیض و حق برخورداری از ارزش و آموزش فارغ از الگوهای کلیشه‌ای رفتار و رویه‌های فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر مفاهیم ضعف یا فرو دستی می‌باشد و دول عضو باید بدون هیچ گونه تاخیر یا به تدریج در جهت پیشگیری، مجازات و امحای خشونت علیه زنان اقداماتی را انجام دهند و در فرایند چنین اقداماتی دول عضو باید به آسیب‌پذیری زنان در برابر خشونت به جهت نژاد یا منشاء قومی یا موقعیت آن‌ها به عنوان مهاجر، پناهنده یا آواره توجه خاص مبذول نمایند. هم چنین باید به زنان باردار، دگرتوان، صغیر، سالخورده، زنانی که دارای وضعیت وخیم اقتصادی و اجتماعی هستند و زنان محروم از آزادی و زنانی که تحت تاثیر مناقشات مسلحانه هستند، توجه ویژه‌ای مبذول گردد.

با توجه به یافته‌های مطالعه، می‌توان بیان کرد علی‌رغم هنجارها و مقرره‌هایی که برای پیش‌گیری از پدیده فمسید در سطح بین‌الملل وضع شده است، هم‌چنان در بسیاری از کشورها شاهد بروز چنین رفتارهای خشونت‌آمیزی مانند قتل و ضرب و جرح علیه زنان هستیم. اگرچه با توجه به یافته‌ها شاهد آن هستیم که تعداد قتل‌ها بعد از وضع قوانین در بسیاری از کشورها کاهش یافته است، اما هم‌چنان پدیده فمسید وجود دارد، زیرا در سطح اجرا، قوانین و مقرره‌های وضع شده به درستی اعمال نمی‌گردد.

بحث و نتیجه گیری

بدیهی است که کشتار مبتنی بر جنسیت معضل جدی است که به علل غیرانسانی، گسترده بودن و غیرقابل قبول بودن آن سرانجام به عنوان یک پدیده جهانی به رسمیت شناخته شده و از منظر کیفرشناختی در بررسی بزه قتل نکته حائز اهمیت «عدم قطعیت کیفر» است و مجازات بزه قتل از جمله قصاص و یا حبس به عوامل متعددی بستگی دارد و مانعیت برخی از این عوامل در موارد ارتکاب قتل زنان بسیار محتمل تر می شود و در چنین عرصه ای از احتمالات گوناگون که می تواند اجرای مجازات را منتفی سازد روشن است که قاتل بالقوه نیز در تصمیم گیری برای ارتکاب بزه قتل، وزن کمتری را برای مجازات در نظر می گیرد. بنابراین، سازمان ملل متحد به عنوان مهم ترین سازمان بین المللی با توجه به برخورداری از صلاحیت های گسترده از زمان تأسیس تاکنون، موضوع حمایت از حقوق زنان را ضمن اصول برابری و منع تبعیض و حمایت از آنان طبق کنوانسیون ها و مقرره هایی تحت عنوان بزه دیده شناسی آبی مورد توجه قرار داده است و ضمانت اجرایی را برای پیش گیری از پدیده قتل زنان به تصویب رسانده است. این سازمان با توجه به منابع و اراده جهانی و تعهداتی که دارد، دارای این ظرفیت و توانایی است که از حقوق زنان و پیش گیری از قتل ایشان حمایت کند و کشورها را به تبعیت از خود وادارد و با توجه به اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، مهم ترین تلاش برای حمایت از اجرای آن تلاش برای ارتقا تبدیل اعلامیه مذکور به کنوانسیون بوده است و این هدف منجر به همکاری های متعددی در این خصوص از جمله ایجاد انجمن جهانی بزه دیدگی در هلند برای وضع پیش نویس کنوانسیون سازمان ملل در مورد عدالت و پشتیبانی از قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت شده است. سازمان ملل متحد با سمن ها، بعضی از دولت ها، متخصصان بزه دیده شناس و کارشناسان برای ایجاد همکاری و هم افزایی پیوندی محکم برقرار کرده است تا به اهداف خود نائل گردد. نمونه ای از هنجارها و مقررات وضع شده، در خصوص بزه هایی مانند آدم ربایی، قتل و کشتارهای فراتقنینی است و سازمان ملل متحد تصریح کرده است که صرف نظر از اینکه این اقدامات غیر قانونی

توسط مقامات دولتی یا اعضای خانواده صورت گرفته باشد، باید به آنها رسیدگی شود و مرتکبان مجازات شوند و سازمان ملل از بعضی از دول که در آنجا قتل زنان رایج و متداول می‌باشد درخواست کرده است که این رفتار بزهکارانه خشونت‌آمیز را به عنوان یک جرم به رسمیت بشناسند و برای آن مجازاتی در نظر بگیرند که فشار ناشی از مقرره‌های وضع شده بسیاری از دولت‌ها را به تبعیت از هنجارهای سازمان ملل واداشته است و در این زمینه تعداد جرایم ارتكابی مانند قتل علیه زنان کاهش یافته است.

پیشنهادها: با توجه به ادبیات تحقیق و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی و هنجارهایی که در حوزه بزه‌دیده‌شناسی آبی به تصویب رسیده‌اند و نیز یافته‌های حاصل از مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی در این مقاله پیشنهادهای زیر می‌توانند در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان در پدیده جهانی فمسیاید و حمایت از آنان قابل طرح باشند.

انجام پژوهش‌های علمی مرتبط با مسائل قتل زنان به منظور شناسایی چالش‌های پیش روی بزه‌دیدگی آنان و ایجاد بسترهای مناسب برای پژوهش در این حوزه، امکان ارائه راهکارهای علمی و استاندارد و مطابق با هنجارهای بین‌المللی را فراهم می‌آورد و اصرار بر رویکردهای غیر علمی و کلیشه‌های ذهنی و فقدان زیرساخت‌های آماری، میزان بزه‌دیدگی را بیشتر می‌سازد؛

حمایت از سازمان‌های فعال در حوزه زنان در زمینه‌هایی چون بزه‌دیدگی زنان می‌تواند از منظر پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان موثر باشد، زیرا کنترل و پیشگیری در این خصوص به تنهایی بر عهده دولت‌ها نمی‌تواند باشد و این امر مستلزم مداخلات اجتماعی محور از جمله سمن‌ها و برنامه‌های نظارت همسایگی می‌باشد؛

ترغیب سیاست‌مداران، رهبران مذهبی و محلی و متخصصان در تمام سطوح از جمله رسانه‌ها در جهت همکاری برای اثربخشی قوانین و هنجارهای وضع شده در سطح بین‌الملل با عنوان بزه‌دیده‌شناسی آبی در جهت حمایت از زنان؛

اجرای برنامه‌های آموزشی و برپایی سمینارها بر اساس یافته‌های تحقیقاتی در سطح بین‌الملل در مورد مشکلات ناشی از ازدواج اجباری، اختلافات مهریه ای، قتل‌های ناموسی

و قتل‌های به علت آبرو و ایجاد بسترهای مناسب برای زنان در خصوص اظهار نظر آزادانه در مورد تهدید به خشونت بدون ترس و جو سازی‌های غیر واقعی.

قدردانی: تشکر و سپاس فراوان از بذل عنایت اساتید محترم که محقق را در نوشتن این طرح پژوهشی یاری رسانیدند و همچنین از مسئولین محترم مجتمع آموزش کوثر دانشگاه علوم انتظامی امین به خصوص مسئولین نشریه پلیس زن که زمینه تحقیق و پژوهش در حوزه زنان و بزه‌دیده‌شناسی را فراهم نموده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

۱. آشوری، محمد؛ معظمی، شهلا (۱۳۸۱). نگاهی به پدیده همسرکشی در استان فارس. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۱۲ (۵۸)، ۱۱-۳۲. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/16197>
۲. آقابابایی، حسین؛ موسوی، ریحانه (۱۳۹۱). پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان و حمایت از آن‌ها از منظر آموزش‌های اسلامی و چالش‌های فرا رو. فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری. ۳۶ (۲)، ۴-۵۲. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/316274/>
۳. خبیری، کابک؛ نوری نشاط، سعید؛ روان بد، امین (۱۳۹۳). حقوق بشر در دستگاه قضایی. تهران: سازمان دفاع از قربانیان خشونت
۴. دارابی، شهرداد (۱۳۹۸). بزهکاری یقه سرخ‌ها. تهران: نشر میزان
۵. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). درآمدی بر جرم‌شناسی، تهران: نشر سمت (چاپ دوم)
۶. زینالی، حمزه (۱۳۹۸). اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آن‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۱۳ (۳)، ۲۱-۴۳، قابل بازیابی از:
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2216-fa.html>
۷. صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۳). واحدهای پیش‌گیری از جرم پلیس. دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم، جلد دوم. تهران: نشر میزان
۸. صدیق سروسستانی، رحمت اله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: نشر سمت
۹. قاضی‌نژاد، مریم؛ عباسیان، ماریا (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی همسرکشی، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). ۹ (۱۱۰)، ۸۱-۱۱۵، قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal>

۱۰. منتظری، سیده‌ادی (۱۳۹۶). نگاهی به حقوق زنان از منظر حقوق بین‌الملل، مطالعه موردی کنوانسیون رفع تبعیض بر علیه زنان. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. ۳(۹)، ۶۸-۸۶. قابل بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1287269/>

۱۱. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳). اجرای خودسرانه قانون در دانشنامه بزهدیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم. جلد دوم تهران: نشر میزان (چاپ دوم)

۱۲. وجدانی فخر، مهديه؛ دارابی، شهرداد؛ نجفی توانا، علی (۱۳۹۹). مطالعه بزهدیده‌شناسی آبی در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل با تاکید بر حمایت پلیسی از زنان و کودکان. فصلنامه علمی پلیس زن. ۳۳(۱۴)، ۱۹۷-۲۱۳ قابل بازیابی از:

http://ps.jrl.police.ir/article_95830.html

13. American Convention on Human Rights , 1969
14. Chavez-Cano, E.(2005, November 11). Violence and Death at the Border. Fresno: Casa Amigo Centro de Crisis, Speech given at California State University.
https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-08398-8_2
15. Convention for the Suppression of the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution of Others , 1949
16. Convention on Elimination of All Forms of Discrimination against Women 1979
17. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power , 1985
18. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power , 1985
19. Declaration on the Elimination of Violence against Women , 1993
20. Declaration on the Elimination of Violence against Women , 1993
21. Dussich, J. P.(2016). Blue Victimology and Femicide: The United Nations' Response to Victims and Female Victims of Gender Killings. In Women and Children as Victims and Offenders: Background, Prevention, Reintegration(pp. 47-65). Springer, Cham. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-08398-8_2
22. Gelles, R. J., & Straus, M. A.(1979). Determinants of violence in the family: Toward a theoretical interpretation. Contemporary Theories About the Family, Free, New York.

- <https://www.jstor.org/stable/2083298?seq=1>
23. Musalo, K., & Bookey, B.(2013). Crimes without punishment: An update on violence against women and impunity in Guatemala. *Hastings Race & Poverty Law Journal*, 10, 265–292.
https://cgrs.uchastings.edu/sites/default/files/Musalo_Bookey_CrimesWithoutPunishment_2013.pdf
 24. Pagani LS, Tremblay RE, Nagin D, Zoccolillo M, Vitaro F, McDuff P. Risk factor models for adolescent verbal and physical aggression toward mothers. *International Journal of Behavioral Development*. 2004;28(6):528-537.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1080/01650250444000243>
 25. Paterson, K.(2006). Femicide On the Rise in Latin America. Americas Program Report, Americas Program: A new world of citizen action, analysis, and policy options, March 8, 2006, Retrieved from: <http://americas.irc-online.org/am/3142>
 26. Protocol to Prevent , Suppress and Punish Trafficking , Especially Women and Children , supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime , 2000
 27. Rodriguez, T., & Montané, D.(2007). The daughters of Juarez: A true story of serial murder south of the border. Simon and Schuster. <https://muse.jhu.edu/article/369880>
 28. Smith D, Sueda K. The killing of children by children as a symptom of national crisis: Reactions in Britain and Japan. *Criminology & Criminal Justice*. 2008;8(1):5-25. Doi: <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/1748895807085867>
 29. Yoshihama, M., Yunomae, T., Tsuge, A., Ikeda, K., & Masai, R.(2019). Violence against women and children following the 2011 Great East Japan Disaster: Making the invisible visible through research. *Violence against women*, 25(7).
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1077801218802>